

Identifying the Best Strategies for Assessing and Admitting Students in the Iranian Higher Education System

(A Qualitative Study)

Kazem Fathtabar Firouzjaei¹, Sohrab Mohammadi Pouya²

¹ Ph.D. in Higher Education Economics and Management, Faculty of Psychology and Educational Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran. k_fathtabar.1986@yahoo.com

² M Ph.D. student of Curriculum Planning, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Tabriz University, Tabriz, Iran, (**Corresponding Author**). mohammadipouya1393@yahoo.com

Abstract

Due to the dissatisfaction of experts and parents in the past years, the issue of removing or modifying the entrance exam has always been a fundamental issue that has not been implemented until now. The researchers believe that the lack of realization of such an issue is the lack of favorable strategies, and the existence of some issues and problems that can affect the quality and performance of the student evaluation and admission system in the country. In this regard, the current research was conducted with the aim of identifying and quantifying the existing problems and damages in the field of student assessment and admission in the country. The approach of the current research is qualitative, which was done by analyzing previous researches and data from expert centers and semi-structured interviews. The statistical population of the research was the scientific-technical resources related to the subject and the scientific-executive experts in the area of student assessment and admission, which was done using convenience sampling method (library study) and targeted sampling as well as snowball technique. The obtained data and information have been analyzed using the method of content analysis and thematic analysis technique. By analyzing the findings of the research, 73 sub-categories (indicators) and 18 categories (components) were counted, which were confirmed by colleagues using the triangulation method and review technique. Based on the results of the current research, the low quality of the student evaluation and admission system and its poor performance in the country are due to the existence of some structural-functional and content limitations in the nature of this exam, issues as well as problems in the management structure of related executive bodies, the functional weakness of relevant and beneficiary institutions in the country's policy-making and decision-making authorities, and the environmental conditions as well as the cultural-social atmosphere that governs the society. Therefore, it is necessary for policy makers and planners to take the necessary measures to solve the problems and optimize the process of evaluating and accepting students according to the cultural and social context of the country.

Keywords: assessment, acceptance, optimal strategies, higher education.

Received: 2024/01/23; Received in revised form: 2024/05/07; Accepted: 2024/06/15; Published Online: 2024/06/20

How To Cite: Fathtabar Firouzjaei, Kazem & Mohammadi Poya, Sohrab (2024). Identifying the Best Strategies for Assessing and Admitting Students in the Iranian Higher Education System, *Journal of Research in Instructional Methods*, 2 (1), 91-118. doi: 10.22091/JRIM.2024.10345.1052

Published by: University of Qom

© The Author(s)

Article type: Research





تبیین آسیب‌های حوزه سنجش و پذیرش دانشجو در نظام آموزش عالی ایران^۱

(مطالعه کیفی)

کاظم فتح تبار فیروزجانی^۱، سهراب محمدی پویا^۲ 

^۱ دانش‌آموخته دکتری اقتصاد و مدیریت آموزش عالی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی - دانشگاه تهران، تهران، ایران.

k_fathabbar.1986@yahoo.com

^۲ دانشجوی دکتری برنامه ریزی درسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران (نویسنده مسئول).

mohammadipouya1393@yahoo.com

چکیده

یکی از موضوعات مهم در جامعه امروز ما، نحوه ورود دانش‌آموزان به آموزش عالی از طریق کنکور یا همان آزمون سراسری است. این آزمون به‌عنوان پلی ارتباطی بین آموزش متوسطه و عالی، علی‌رغم ارزشمند بودن در جایگاه خود، به دلیل وجود برخی از محدودیت‌ها و کاستی‌ها در نظر و عمل از کارایی و اثربخشی لازم برخوردار نبوده؛ و لذا تأثیرات نامطلوبی بر کیفیت و عملکرد نظام سنجش و پذیرش دانشجو در کشور گذاشته است. در همین راستا، پژوهش حاضر با هدف شناسایی و احصای مشکلات و آسیب‌های موجود حوزه سنجش و پذیرش دانشجو در کشور صورت گرفته است. رویکرد پژوهش حاضر کیفی است که با تحلیل پژوهش‌های پیشین و داده‌های برآمده از کانون‌های خبرگی و مصاحبه نیمه‌ساختار یافته انجام شده است. جامعه آماری پژوهش منابع علمی - فنی مرتبط با موضوع و صاحب‌نظران علمی - اجرایی در حوزه سنجش و پذیرش دانشجو بوده‌اند که به روش نمونه‌گیری در دسترس (مطالعه کتابخانه‌ای) و نمونه‌گیری هدفمند و تکنیک گلوله‌برفی (مصاحبه) انتخاب شده‌اند. داده‌ها و اطلاعات حاصله با استفاده از روش تحلیل محتوا و تکنیک تحلیل مضمون تجزیه و تحلیل شده است. با تحلیل یافته‌های پژوهش ۷۳ خرده‌مقوله (شاخص) و ۱۸ مقوله (مؤلفه) احصا شد که با استفاده از روش سه‌سویی‌سازی و تکنیک بازبینی توسط همکاران مورد تأیید قرار گرفته‌اند. براساس نتایج پژوهش حاضر، کیفیت پایین نظام سنجش و پذیرش دانشجو و عملکرد ضعیف آن در کشور، به دلیل وجود برخی محدودیت‌های ساختاری - کارکردی و محتوایی در ماهیت این آزمون و مسائل و مشکلاتی در ساختار مدیریتی دستگاه‌های اجرایی مرتبط و ضعف عملکردی نهادهای ذی‌ربط و ذی‌نفع در مراجع سیاست‌گذاری و تصمیم‌سازی کشور و همچنین شرایط محیطی و فضای فرهنگی - اجتماعی حاکم بر جامعه است؛ لذا ضروری است سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان امر با توجه به آسیب‌هایی موجود، اقدامات لازم را جهت رفع مسائل پیش‌رو و بهینه‌سازی فرایند سنجش و پذیرش دانشجو با توجه به بافت فرهنگی - اجتماعی کشور به عمل آورند.

کلید واژه‌ها: سنجش، پذیرش، راهبردهای مطلوب، آموزش عالی

۱. این مقاله مستخرج از طرح سیاست‌پژوهی «تحلیل سیاست‌های سنجش و پذیرش دانشجو و ارائه بسته سیاستی» است که در پژوهشکده سیاست‌پژوهی و مطالعات راهبردی حکمت انجام شده است.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۰۳؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۲/۱۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۲۶؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۰۳/۳۱

استناد: فتح‌تبار فیروزجانی، کاظم؛ محمدی پویا، سهراب. (۱۴۰۳). تبیین آسیب‌های حوزه سنجش و پذیرش دانشجو در نظام آموزش عالی ایران،

پژوهش در روش‌های آموزش، ۲ (۱)، ۹۱-۱۱۸. doi: 10.22091/JRIM.2024.10345.1052

نوع مقاله: پژوهشی

© نویسندگان

ناشر: دانشگاه قم



مقدمه

یکی از مسائل اساسی حوزه علوم اجتماعی در دنیای امروز اختلاف طبقاتی و یا تعلق داشتن به طبقات خاص در بین مردمان است. لذا با توجه به اهمیت این موضوع، صاحب‌نظران و اندیشمندان در حوزه‌های مختلف علوم بشری از جمله علوم اجتماعی و رفتاری، مطالعات متعددی را جهت تشریح این پدیده و علل وجود آن و هم‌چنین شناسایی و تبیین عوامل تاثیرگذار بر تحرک بین نسلی انجام داده‌اند^۱. بر اساس تحلیل اندیشمندان حوزه آموزش، یکی از معیارهای مهم در تعیین اختلاف طبقاتی و محرک اصلی در ارتقای منزلت اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، شغلی، خانوادگی و... افراد، آموزش و تحصیل در آموزش عالی است. در همین راستا، افراد جامعه به‌ویژه در طبقات پایین با توجه به فطرت انسانی مبنی بر تمایل به پیشرفت در ابعاد مختلف زندگی، تلاش‌های خود را برای ورود به طبقات بالاتر به کار می‌گیرند. در ایران نیز با وجود نابرابری‌های منطقه‌ای و جغرافیایی، این موضوع از اولویت و اهمیت بالایی برخوردار بوده است. به گونه‌ای که تحصیل و دستیابی به مدارج بالای علمی همواره یکی از اساسی‌ترین عناصر ورود به طبقات اجتماعی بالاتر به شمار می‌رود.

به سخن دیگر، بسیاری از افراد جامعه پیشرفت تحصیلی و ورود به دانشگاه و به تبع آن دستیابی به شغل مناسب و با درآمد بالا را عامل جهش در طبقات اجتماعی و برخورداری از زندگی راحت می‌دانند. ورود به دانشگاه و تحصیل در آن، مستلزم عبور از فیلتری با عنوان آزمون ورودی یا همان کنکور سراسری در کشور است که پل ارتباطی بین نظام آموزش عمومی و آموزش عالی محسوب می‌شود. همه ساله خیل عظیمی از متقاضیان با دلایل و انگیزه‌های متفاوتی در این آزمون شرکت می‌کنند. خلاق و حج فروش (۱۳۹۱) بر این باورند که علاقه و گرایش دانش‌آموزان و والدین آنان و البته فرایند مدرک‌گرایی حاکم بر جامعه موجبات تمرکز بر کنکور و آماده‌سازی دانش‌آموزان برای عبور از آزمون سراسری را فراهم آورده است (فتح‌آبادی، شلائی و صادقی، ۱۳۹۶: ۸)؛ به طوری که خانواده‌ها سعی می‌کنند امکانات لازم را برای دسترسی فرزندان‌شان به تحصیل و دانشگاه و رشته مناسب را فراهم آورند. این، مهم به مثابه یک عنصر جبرانی جهت ورود به طبقات متوسط و بالای جامعه و حتی حفظ طبقه فعلی خانوادگی تلقی می‌شود (جلالی، ۱۳۸۶؛ به نقل از کریمی بهروزیان، افقی و عباداللهی چندانق، ۱۳۹۷: ۲۸). همین حساسیت‌های اجتماعی که کنکور سراسری را عامل جهش اجتماعی و تعیین سرنوشت زندگی شخصی، حرفه‌ای و شغلی می‌داند، توجه روزافزون به این آزمون را موجب شده است؛ یعنی دیگر نمی‌توان از کنکور به عنوان یک آزمون صرف جهت فرایند سنجش و پذیرش دانشجو در کشور یاد کرد بلکه زندگی خیل

1. Crompton, Savage, Hills

عظیمی از خانواده‌ها و افراد جامعه را به خود معطوف داشته است. برخی از افراد بر این باورند آزمون سراسری در کشور ایران نمونه بارز آزمون‌های خطرناک یا سرنوشت‌ساز هستند، چرا که این‌گونه آزمون‌ها در مقیاس وسیع اجرا می‌شوند و براساس نتایج آن‌ها تصمیماتی بزرگ در ارتباط با فرد یا افراد اخذ می‌شود. تصمیمات اتخاذی تبعات شخصی، سیاسی، اجتماعی و حتی اقتصادی مهمی برای فرد دارد و البته اثرات آن بر زندگی حال و آینده افراد مشهود است (گرامی پور و همکاران، ۱۳۹۱، سازگار و مطلب زاده، ۲۰۱۷؛ به نقل از فتح آبادی و همکاران، ۱۳۹۶).

بسیاری از افراد و متخصصان حوزه سنجش و پذیرش دانشجو بر این باورند که نظام فعلی پذیرش دانشجو یا به اصطلاح کنکور در جامعه ما به یک پدیده اجتماعی تبدیل شده که نظام عمومی رسمی، متوسطه و شرایط روانی، اقتصادی و اجتماعی خانواده‌ها را به شدت تحت تأثیر قرار داده است و حتی یک تهدید جدی در مسیر نوآوری، خلاقیت و سلامت روان نسل جوان و آینده‌ساز جامعه به‌شمار می‌رود. به‌طوری‌که کنکور و ورود به دانشگاه به‌عنوان یک معضل و مشکل اساسی در نظام آموزش عالی کشور شناخته می‌شود که اثرات آن به نظام آموزشی عمومی سرایت کرده است (فتحی، ۱۳۹۸). با این حال با تمام مشکلاتی که متوجه کنکور جهت سنجش دانش‌آموزان برای ورود به دانشگاه وجود دارد، چندین دهه است که تنها معیار وزارت علوم، تحقیقات و فناوری کشور ایران به منظور پذیرش دانش‌آموزان در نظام آموزش عالی و ورود به دانشگاه‌ها، آزمون سراسری است (فتح آبادی و همکاران، ۱۳۹۶: ۸). پس بخش قابل توجهی از دانش‌آموزان کشور هر ساله به امید افق‌های روشن در زندگی حرفه‌ای و ارتقای طبقه اجتماعی خود و خانواده‌هایشان چاره‌ای جز شرکت در آزمون سراسری ندارند (سجادی، کرمدوست، درانی، صالحی و مقدم زاده، ۱۳۹۶: ۱۶۴).

کنکور علی‌رغم ارزشمند بودن در جایگاه خود، به دلیل برخی از محدودیت‌ها و کاستی‌ها در نظر و عمل باعث آسیب‌هایی در سطح فردی و اجتماعی شده است. به‌گونه‌ای که عوارض ناشی از کنکور سراسری باعث آسیب‌های جبران‌ناپذیری بر سرمایه‌های انسانی، اقتصادی، فرهنگی و ... شده و اهداف و برنامه‌های نظام آموزشی عمومی و رسمی را تحت الشعاع قرار داده است (سبحانی و شهیدی، ۱۳۸۶). به اعتقاد کارشناسان شیوه «یک تست، یک برآورد، یک سرنوشت» حجم قابل توجهی از ظرفیت‌های روانی، اقتصادی و آموزشی کشور را به شکل ناکارآمد اشغال کرده است (مردیها، ۱۳۸۳؛ به نقل از فتح‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۶)، به‌طوری‌که امکان استفاده مناسب از ظرفیت‌های موجود را از بین می‌برد. پیرامون اثرات مخرب کنکور، طیف وسیعی از مسئولان فرهنگی و آموزشی کشور اظهارنظرهایی داشته‌اند. برای نمونه: وزیر سابق آموزش و پرورش در رابطه با نقش کنکور بیان می‌کند: «ما افراد را در شرایط و سنی که باید اتفاقاً

فراغ بال بیشتری داشته باشند و برای آداب و سبک زندگی آموزش ببینند، تحت فشار کلاس‌های تست، کنکور و حافظه محوری قرار می‌دهیم و بعد عکس‌العمل منفی آن را در تداوم زندگی آنها مشاهده می‌کنیم». یا دبیر سابق شورای انقلاب فرهنگی (۱۳۹۵) کنکور را مانع اصلی تحول بنیادین در آموزش و پرورش می‌داند (به نقل از امیدیان، رحمتی و فرهادی راد، ۱۳۹۷). این دست از اظهار نظرهای مسئولان امر در سالیان گذشته زمینه‌های جدی پرداختن به مسئله آزمون سراسری را در بین نهادهای سیاست‌گذار و پژوهشگران فراهم آورده است و شاید بتوان اذعان داشت که اصلی‌ترین موضوع در یکی دو دهه گذشته در خصوص نقطه اشتراک و موضوع هم‌پوشانی آموزش عمومی و آموزش عالی مسئله کنکور سراسری بوده است.

با این حال مطالعه در حوزه سنجش و پذیرش دانشجو و هم‌چنین گفتگو با فعالان و متخصصان این حوزه نشان می‌دهد که علاوه بر تعارض منافع و درآمدهای زیاد حاصل از شیوه کنونی، نبود برنامه‌های اجرایی مناسب و مطلوب موجبات عدم اجرای قوانین موجود در حوزه کنکور و سروسامان گرفتن موضوع سنجش و پذیرش دانشجو را فراهم آورده است. با این حال نگارندگان اعتقاد دارند که چنانچه برنامه‌های و ضوابط اجرایی مطلوب این حوزه شناسایی شود، تعارض منافع و مقاومت گروه‌های ذی‌نفع کاهش خواهد یافت و یا اینکه سنجش و پذیرش دانشجو کمتر دستخوش تمایلات سرمایه‌داران و گروه‌های ذی‌نفع خواهد شد. بررسی پژوهش‌های گذشته نشان می‌دهد که تلاش‌هایی از سوی پژوهشگران و متخصصان به منظور شناسایی مشکل و ارائه راهکارها و برنامه‌های اجرایی صورت گرفته است که ضمن ارج نهاندن به این دست پژوهش‌ها (جدول ۱)، بایستی عنوان کرد که نتایج به صورت منقطع بوده است و پژوهشی در باب جمع‌آوری و دستاوردهای پژوهش‌های پیشین و هم‌چنین ارائه و ترسیم یک تصویر جامع و منسجم از راهکارها و برنامه‌های اجرایی پژوهشگران صورت نگرفته است. با این تفاسیر و ناظر به آنچه گذشت، پژوهش حاضر درصدد است با تحلیل نتایج پژوهش‌های گذشته و استفاده از نظرات متخصصان و فعالان این حوزه به شناسایی الزامات و بایسته‌های مسیر تدوین و کاربست برنامه‌های اجرایی حوزه سنجش و پذیرش دانشجو، تحت عنوان شناسایی آسیب‌ها و مشکلات فراروی نظام سنجش و پذیرش دانشجو در کشور بپردازد. به عبارتی به این سوال پاسخ دهد نظام سنجش و پذیرش دانشجو با چه آسیب‌ها و مشکلاتی مواجه می‌باشد؟ به‌طوری‌که انتظار می‌رود با به‌کارگیری الزامات و مشکلات احصائی در پژوهش حاضر، نهادهای سیاست‌گذار و اجرایی در جهت طرح حذف و یا اصلاح (در روش و اجرا) کنکور و دستیابی به فرایند سنجش و پذیرش مطلوب و متناسب با شرایط و ویژگی‌های زیست بوم کشور به شیوه بهتری عمل کنند و اثرات و پیامدهای مطلوب آن در عملکرد دانش‌آموزان، خانواده و جامعه دیده شود.

جدول ۶: پژوهش‌ها در حوزه وضعیت نظام سنجش و پذیرش دانشجو و راهکارهای بهبود و بهینه‌سازی فرایند آن

نویسنده	سال	روش	دستاوردها
فتح تبار فیروزجانی و همکاران	۱۴۰۰	کیفی: مصاحبه با صاحب‌نظران دارای تجربه زیسته	نتایج پژوهش حاکی از عدم کارآمدی و اثربخشی لازم در الگوی فعلی سنجش و پذیرش دانشجو است. لذا پذیرش توسط دانشگاه، بهینه‌سازی پذیرش بر اساس سوابق تحصیلی، راهکارهایی در ارتباط با ارتقای عملکرد و کارایی نظام آموزشی و هدایت تحصیلی از جمله راهکارهای مکمل و جایگزینی هستند که می‌توانند در بهینه‌سازی فرایند سنجش و پذیرش دانشجو به‌طور مؤثری کمک نمایند.
کیانی	۱۳۹۴	کیفی: مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با خبرگان علمی - اجرایی	بر اساس نتایج تحلیل محتوایی مصاحبه‌ها، سیاست‌ها و چشم‌اندازهای این تغییر بر سه محور اصلی استوار است: ۱. آزمون جدید به عنوان اهرم مولد آثار و پیامدهای مطلوب در کل نظام آموزشی، ۲. تغییر پارادایم روان سنجی به فرهنگ سنجش آموزشی، ۳. چالش‌های نظام جدید پذیرش. برخلاف تغییر دیدگاه‌ها، سیاست‌گذاران در عمل همان سیاست‌های گزینشی سابق را برای جایگزین کنکور دنبال کرده که با وجود چالش‌ها و تهدیدهای موجود، محتمل است آن را به ابزاری نامناسب جهت پیشبرد اهداف ایده آل تبدیل نماید.
قلی‌پور و وثوقی نیری	۱۳۹۲	سیاست تطبیقی پویا و رویه‌های پنج‌گانه	نتایج یافته‌ها حاکی از فقدان ظرفیت کافی در نظام پذیرش دانشجو برای سنجش دانش و توانایی حقیقی داوطلبان و سازمان‌دهی آنان در رشته‌های تحصیلی مرتبط است. لذا فرایندها و رویکردها باید به سمتی سوق داده شود که در آن دانش، نگرش و مهارت‌های واقعی داوطلبان در ابعاد فردی و اجتماعی مدنظر قرار گیرد/ قابل سنجش و ارزیابی باشد.
زارعی و اورنگی	۱۳۹۱	کمی: توصیفی - پیمایشی	نتایج حاکی از آن است که: کارشناسان در استفاده از نتایج امتحانات دوره متوسطه، مهارت‌های شغلی، فعالیت‌های اجتماعی دانش‌آموزان و کنکور برای گزینش دانشجویان نظرات متفاوتی دارند. این تفاوت در سطح کمتر از یک‌هزارم معنی‌دار است. به بیان دیگر، کارشناسان تمایل دارند در گزینش دانشجو به‌جز کنکور سایر عوامل نیز مد نظر قرار گیرند و پذیرش دانشجو منحصر به یک عامل نباشد.
سبحانی و شهیدی	۱۳۸۶	کیفی: مطالعه مروری و مصاحبه با اندیشمندان حوزه مرتبط با موضوع	بر اساس نتایج پژوهش مزبور، تجدیدنظر در نظام پذیرش دانشجو در آموزش عالی کشور با توجه به نکات ذیل یک ضرورت است.

نویسنده	سال	روش	دستاورد
			تغییر در شیوه‌ها و رویکردهای کنکور در راستای کاهش اضطراب و نگرانی دانش‌آموزان و خانواده‌ها
			افزایش ظرفیت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و ترغیب و تشویق دانش‌آموزان به تحصیل در این رشته‌ها
			تغییر در روش‌های کنکور و پذیرش دانشجو براساس تحقیقات علمی و به‌صورت تدریجی
			برگزاری کنکور با پارامترهای مختلف و به دفعات متعدد
			واگذاری کنکور و یا مشارکت انجمن‌های علمی، موسسات آموزشی و پژوهشی و قانون تفکر دز اجرای کنکور

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر با توجه به ماهیت و هدف آن، جزء پژوهش‌های کاربردی، از نظر نحوه گردآوری داده‌ها کیفی (توصیفی - تحلیلی) است. جامعه آماری پژوهش منابع علمی و مطالعات پیشین در حوزه سنجش و پذیرش دانشجو (تحلیل مقالات پیشین) و صاحب‌نظران علمی و اجرایی در حوزه کنکور سراسری بوده‌اند که به‌صورت نمونه‌گیری در دسترس (مطالعات کتابخانه‌ای) و نمونه‌گیری هدفمند و تکنیک گلوله (مصاحبه نیمه‌ساختاریافته) برفی انتخاب شدند. داده‌ها و اطلاعات حاصله با استفاده از روش تحلیل محتوا با رویکرد تحلیل مضمون (به روش شبکه مضامین^۱) تجزیه و تحلیل شدند. بدین ترتیب که پس از مطالعه منابع و مشخص کردن مضامین مربوط به هر عبارت کلیدی، دسته‌بندی‌هایی صورت گرفت و برای هر دسته، مقوله‌هایی شناسایی شد. تحلیل مضمون، روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است. این روش، فرایندی برای تحلیل داده‌های متنی است و داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌هایی غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند (برون و کلارک^۲، ۲۰۰۶). روش‌های مختلفی برای تحلیل مضمون وجود دارد که هر یک از آنها فرایندهای خاصی را دنبال می‌کند. یکی از روش‌های تحلیلی مناسب در تحلیل مضمون، تحلیل شبکه مضامین است. شبکه مضامین توسط آتراید - استیرلینگ^۳ (۲۰۰۱) توسعه یافت. شبکه مضامین روشی است که مطابق آن براساس روندی مشخص، مضامین پایه، مضامین سازمان‌دهنده و مضامین فراگیر را نظام‌مند می‌کند؛ سپس این مضامین به صورت نقشه‌های شبکه تارنما، رسم و مضامین برجسته هر یک از این سه سطح همراه با روابط میان آنها نشان داده می‌شود تا تصور وجود هر گونه سلسله مراتب در میان آنها از بین برود، باعث شناوری مضامین شود و بر وابستگی و ارتباط متقابل میان شبکه تأکید شود (عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۰).

1. Template Network
2. Braun & Clarke
3. Attride-Stirling

اعتبار یافته‌ها نیز با استفاده از رویکرد مثلث‌سازی^۱ و روش بازبینی توسط همکاران^۲ (فارغ‌التحصیل و دانشجویان دکتری رشته‌های علوم تربیتی و مدیریت) و اعمال نظرات تأییدی و تکمیلی^۳ آن‌ها مورد ارزیابی و تأیید قرار گرفته است. لازم به ذکر است که اختصاص زمان کافی، ارتباط یا درگیری طولانی‌مدت پژوهشگر^۴، دقیق بودن در تمامی مراحل پژوهش، از جمله مواردی است که در راستای افزایش روایی و پایایی یافته‌ها در فرایند پژوهش مورد توجه بوده است. همچنین در هر یک از مراحل پژوهش پژوهشگران به‌تأویب بر روی مراحل پژوهش و یافته‌های به دست آمده جلساتی داشتند و با هم‌فکری همدیگر ضمن توافق بر روی مؤلفه‌های احصائی به برطرف‌سازی موارد اختلافی اقدام شد. خلاصه‌ای از روش پژوهش در جدول (۲) ارائه شده است.

جدول ۷: خلاصه روش‌شناسی پژوهش

نوع پژوهش	جامعه پژوهش	روش نمونه‌گیری	روش تحلیل	منابع مطالعاتی / مصاحبه‌شوندگان	کلیدواژه‌ها
کیفی (بررسی و تحلیل مقالات)	مؤلفان علمی معتبر در حوزه سنجش و پذیرش دانشجو در پایگاه اطلاعات علمی ^۵	نمونه‌گیری در دسترس	تحلیل محتوا/تحلیل مضمون	پایگاه‌های اطلاعات علمی پایگاه مجلات تخصصی نور ^۶ پژوهشگاه علوم و فناوری ایران (ایرانداک) ^۷ بانک اطلاعات نشریات کشور ^۸ پایگاه مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی ^۹ سایت‌های مجلات تخصصی در حوزه آموزش و سنجش مانند مطالعات اندازه‌گیری و ارزشیابی آموزشی، نشریات مرتبط در حوزه آموزش و علوم تربیتی و ... مقالات با عبارت P ₁ , P ₂ , ... P _N کدگذاری و تحلیل شده‌اند.	آزمون سراسری، کنکور، کنکور سراسری، حذف کنکور، سنجش و پذیرش و ...

1. Triangulation

2. Member check

3. Peer Review

4. Prolonged Engagement

۵. پژوهش‌هایی انتخاب شده‌اند که دارای زمینه‌های آسیب‌شناسی و یا ارائه راهکار در حوزه سنجش و پذیرش دانشجو بوده‌اند.

6. <https://www.noormags.ir/>

7. <https://irandoc.ac.ir/>

8. <https://www.magiran.com/>

9. <https://www.sid.ir/>

نوع پژوهش	جامعه پژوهش	روش نمونه‌گیری	روش تحلیل	منابع مطالعاتی / مصاحبه‌شوندگان	کلید واژه‌ها
کیفی (مصاحبه)	صاحب‌نظران و خبرگان علمی - اجرایی و دارای تجربه زیسته در حوزهٔ کیکور	نمونه‌گیری هدفمند - تکنیک گلوله برفی	تحلیل محتوا - تحلیل مضمون	مشخصات مصاحبه‌شوندگان	
				سمت	کد
				دبیر - ش ۱. رجائی	Intw01
				دبیر - ش. رجائی	Intw02
				دبیر - ش. رجائی	Intw03
				دبیر - ش. رجائی	Intw04
				آموزگار ابتدایی	Intw05
				دبیر - ش. رجائی	Intw06
				دبیر - ش ۰. رجائی	Intw07
				دبیر - ش. رجائی	Intw08
معلم - ابتدایی	Intw09				

لازم به ذکر است در فرایند پژوهش بیش از ۱۰ جلسه هم‌فکری و اعتباریابی با افراد متخلف و با تخصص‌های متنوع نظیر: فارغ‌التحصیل و دانشجویان دکتری رشته‌های برنامه‌ریزی درسی، اقتصاد آموزش عالی، برنامه‌ریزی توسعه آموزش عالی، مدیریت آموزش عالی، مدیریت آموزشی، مدیریت دولتی (خط مشی‌گذاری) و ... برگزار شد و در پایان هر جلسه بر سر موضوعات احصائی در پژوهش توافق لازم به دست آمد.

یافته‌های پژوهش

همانگونه که عنوان شد پژوهش حاضر با هدف شناسایی و احصای مشکلات و آسیب‌های موجود حوزه سنجش و پذیرش دانشجو در کشور با رویکرد ارائه راهکاری در راستای کمک به ارتقای کیفیت نظام سنجش و پذیرش دانشجو و رفع نواقص و کاستی‌های موجود و بهبود فرایند اجرایی آن انجام شده است. در این بخش، یافته‌های حاصل از تحلیل اطلاعات و داده‌های منابع علمی به شرح جدول ذیل ارائه شده است.

جدول ۸: تحلیل پژوهش‌های حوزه سنجش و پذیرش دانشجو

مضمون فراگیر	مضامین سازمان دهنده	مضامین پایه، مهم و کلیدی
۱. فقدان نیازسنجی شغلی بر حسب گروه‌ها و رشته‌های تحصیلی	۱. فقدان نیازسنجی شغلی بر حسب گروه‌ها و رشته‌های تحصیلی	۱. مشخص نبودن تعداد نیروی انسانی متخصص مورد نیاز کشور بر حسب گروه‌ها و رشته‌ها و سطوح تحصیلی

۱. منظور از ش. رجایی، شهید رجایی است. و منظور از دبیر، معلمان مقاطع متوسطه اول و دوم است.

مضمون فراگیر	مضامین سازمان دهنده	مضامین پایه، مهم و کلیدی
		- مشخص نبودن تعداد دانشجوی مورد نیاز بر حسب گروه‌های آموزشی و رشته‌های تحصیلی - لزوم سنجش علایق و استعداد‌های تحصیلی فراگیران در تحصیل - تأکید بر نقش استعداد و هدایت تحصیلی - ضرورت هدایت شغلی در دورهٔ دبیرستان - ضرورت بررسی و ارزیابی برنامهٔ هدایت تحصیلی - توجه به علایق فراگیران در سنجش و پذیرش دانشجو - توجه به استعداد‌های افراد در سنجش و پذیرش دانشجو - عدم تأکید بر گسترش آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در نظام آموزش و پرورش رسمی و عمومی - بی‌توجهی به گسترش آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در سنجش و پذیرش دانشجویان - نبود ارتباط مطلوب میان آموزش‌های عمومی و صنعت - نبود عزم جدی در حذف کنکور در سال‌های اخیر - عدم تمایل دستگاه‌ها برای ورود به حذف کنکور - عدم تمایل دستگاه‌ها به حذف کنکور به لحاظ مسائل سیاسی - عملکرد جزیره‌ای دستگاه‌های متولی سنجش و پذیرش - فقدان ارتباط و همکاری نهادهای مختلف در زمینهٔ سنجش و پذیرش - فقدان وحدت‌رویه در نهادهای تصمیم‌گیرنده - تعدد دستگاه‌های سیاست‌گذاری در حوزهٔ آموزش - ورود نهادهای غیرتخصصی در تصمیم‌گیری‌های سنجش و پذیرش - تأکید بر وفاق دستگاه‌های مرتبط با پذیرش دانشجو
- نبود نظام جامع هدایت تحصیلی متناسب با علایق، استعداد و ویژگی‌های افراد - بی‌توجهی به افزایش آموزش‌های مهارت‌آموزی و گسترش رشته‌های فنی و حرفه‌ای	- نبود عزم جدی در حذف کنکور - نبود کارگروه‌های تخصصی به منظور، همکاری، هماهنگی و وحدت‌رویه دستگاه‌های مرتبط با حوزهٔ سنجش و پذیرش دانشجو	

مضمون فراگیر	مضامین سازمان دهنده	مضامین پایه، مهم و کلیدی
		- توجه به نقش پررنگ آموزش و پرورش در آموزش فراگیران و تصمیمات حوزهٔ سنجش و پذیرش - فقدان نظارت و همکاری وزارت ارتباطات در حوزهٔ سنجش و پذیرش - بی‌توجهی به تفکیک و جداسازی فرایند سنجش دانش‌آموزان از پذیرش دانشجو در نظام آموزش عالی
فقدان تشکیل نظام سنجش و پذیرش		- عدم مشارکت و استقلال دانشگاه‌ها در سنجش و گزینش دانشجویان - فقدان تشکیل نظام سنجش و پذیرش - فقدان ارتباط گسترش آموزش‌های عالی با اشتغال - فقدان ارتباط آموزش‌های رسمی با بازار کار - فقدان ارتباط میان گسترش رشته‌های آموزش‌های و شرایط اقتصادی، اجتماعی کشور - فقدان ارتباط میان گزینش دانشجو و بازار کار و تحولات کمی و کیفی - گسترش اختلافات طبقاتی در جامعه - حاکمیت مؤسسات کنکوری بر نظام آموزش و پرورش و فقدان دستیابی مناطق مرزی به این مؤسسات - بی‌توجهی به مناطق مرزی در سنجش و پذیرش دانشجو - فقدان توجه به عدالت آموزشی و نفی اختلاف طبقاتی در سنجش و پذیرش - بی‌توجهی به عدالت آموزشی در سنجش و پذیرش دانشجو - بی‌توجهی به امکانات آموزشی در مناطق دورافتاده - فقدان برخورداری از معلمان متخصص در مناطق دور افتاده - غلبهٔ آموزش‌های غیررسمی بر آموزش عمومی - عقیم ماندن برنامه‌های آموزشی و درسی رسمی - فقدان اشتیاق معلمان به ارائهٔ دروس رسمی و توجه به سوالات کنکوری
ضعف ارتباط مطلوب آموزش‌های رسمی با بازار کار و صنعت		
بی‌توجهی به اهمیت و ارجحیت اهداف و برنامه‌های آموزش رسمی		

مضمون فراگیر	مضامین سازمان دهنده	مضامین پایه، مهم و کلیدی
	فقدان اطلاع رسانی و مشاوره تحصیلی - شغلی مطلوب در ادامه تحصیل	- عدم اجرای برنامه های تربیتی و پرورشی در مدارس و حاکمیت - فقدان آشنایی افراد با کد رشته محل و آینده شغلی تحصیلی - محدودیت در انتخاب رشته برای افراد - ضرورت شفافیت در رتبه های سال های قبل - ضرورت اطلاع رسانی جامع و فنی از سوی افراد مجرب - ناکارآمدی سنجش توانایی دانشجویان با سؤالات تستی - بهره مندی از سؤالات تشریحی در سنجش دانشجویان - فقدان سنجش قدرت تحلیل و استدلال - متقاضیان در سؤالات تستی - گسترش احتمال شانس در پاسخ به گزینه های صحیح سؤالات تستی - بی توجهی به آمایش گسترش آموزش عالی در سنجش و پذیرش دانشجو - فقدان انطباق نیاز رشته ها و پذیرش دانشجو - عدم توجه به نیازهای استانی، شهرستان و منطقه در پذیرش دانشجو - فقدان توجه به قابلیت ها و ظرفیت های بومی مناطق - وجود شکاف بین اسناد بالادستی و سطوح اجرایی - فقدان پیگیری و اجرای کامل قوانین سنجش و پذیرش - فقدان انسجام، وفاق ملی و اجماع در تعیین و اجرای وظایف دستگاه ها در سنجش و پذیرش - افزایش بی رویه گرایش به رشته تجربی در سالیان گذشته - عدم توازن در تقاضای تحصیل در رشته های تحصیلی - کاهش تمایل افراد به تحصیل در رشته های علوم ریاضی در دهه گذشته
عدم استفاده از سؤالات تشریحی در سنجش توانایی افراد	فقدان التزام و توجه به آمایش گسترش رشته های آموزش عالی در سنجش و پذیرش دانشجو	
فقدان التزام و توجه به آمایش گسترش رشته های آموزش عالی در سنجش و پذیرش دانشجو	فقدان التزام دستگاه های مسئول در اجرای مصوبات و قوانین حوزه سنجش و پذیرش	
بی توجهی به افزایش علاقه مندی افراد در گرایش به تحصیل در رشته های علوم انسانی و علوم پایه		

مضمون فراگیر	مضامین سازمان دهنده	مضامین پایه، مهم و کلیدی
		- کاهش تمایل به تحصیل در رشته‌های علوم انسانی در دهه گذشته
		- وجود سهمیه‌های مختلف در سنجش و پذیرش دانشجو
فقدان بازتعریف سهمیه‌های حوزه سنجش و پذیرش دانشجو	- برخورداری نامتعارف فرزندان اعضای هیئت علمی از سهمیه	- بی توجهی به بازتعریف سهمیه‌های حوزه سنجش و پذیرش
		- فقدان شفافیت تعداد و آمار پذیرش دانشجو
		- بی توجهی به شفافیت نمرات و تراز متقاضیان
فقدان شفافیت آماری در تدوین سؤالات و نمرات اکتسابی افراد	- وجود سؤالات تستی نامناسب در کنکور سراسری	
		- نامناسب و غیر شفاف بودن پذیرش افراد بر اساس سهمیه
		- حافظه پروری حاکم بر سنجش و پذیرش دانشجو
فقدان توجه به ویژگی‌های فردی، خلاقیت و مهارت‌های اجتماعی در سنجش و پذیرش دانشجو	- بی توجهی به خلاقیت افراد در سنجش و پذیرش دانشجو	
		- فقدان توجه به مهارت‌های اجتماعی افراد در سنجش و پذیرش دانشجو
		- ذی‌نفعی و درآمد بالای سازمان سنجش از کنکور
		- انحصارگرایی برخی رشته‌ها در سنجش و پذیرش دانشجو
فقدان شناسایی و واکاوی تعارض منافع در حوزه سنجش و پذیرش	- درآمد هنگفت رسانه‌ای و تبلیغات صداوسیما از محل کنکور	
		- حضور پررنگ مؤسسات کنکوری در تبلیغات صداوسیما
		- عدم نظارت وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات بر تبلیغات مجازی مؤسسات قانونی و غیرقانونی

بر اساس تحلیل یافته‌های پژوهش‌های پیشین و دیدگاه‌ها و نظریات صاحب‌نظران، مسائل و آسیب‌های حوزه سنجش و پذیرش دانشجو که به نوعی تا به حالا مانع تحقق اهداف مطلوب حوزه سنجش و پذیرش

دانشجو و حذف کنکور و یا اصلاح شده است، حول محور ۷۳ خرده مقوله (شاخص) و ۱۸ مقوله (مؤلفه) گرد آمده است. می‌توان امیدوار بود که در صورت پرداختن به مسائل احصائی، مشکلات حوزه سنجش و پذیرش دانشجو رفع شود. هر یک از مقوله‌ها به‌طور تفصیلی در ذیل ارائه شده است.

(۱) نبود نظام جامع هدایت تحصیلی بر اساس علایق، استعداد و ویژگی‌های افراد

در پژوهش‌های گذشته و به اذعان بسیاری از متخصصان حوزه آموزش و تعلیم و تربیت، یکی از اساسی‌ترین مشکلات آموزشی در آموزش عمومی و رسمی (آموزش و پرورش) فقدان هدایت تحصیلی افراد براساس علایق، استعداد و ویژگی‌های آن‌هاست. بر اساس نتایج احصائی از پژوهش‌های پیشین مشخص شد که در این زمینه، مقولات فرعی از جمله: لزوم سنجش علایق و استعدادها، هدایت تحصیلی فراگیران در تحصیل؛ تأکید بر نقش استعداد و هدایت تحصیلی؛ ضرورت هدایت شغلی در دوره دبیرستان؛ ضرورت بررسی و ارزیابی برنامه هدایت تحصیلی؛ توجه به علایق فراگیران در سنجش و پذیرش دانشجو و توجه به استعدادها، افراد در سنجش و پذیرش دانشجو از مهم‌ترین مشکلات به شمار می‌رود. در زمینه ناکارآمدی هدایت تحصیلی در حوزه سنجش و پذیرش دانشجو - که لازمه تحقق مطلوب آن اتخاذ تدابیر مناسب در آموزش و پرورش است - همین بس که در سال‌های گذشته زمانی که انتخاب رشته متقاضیان ورود به دوره دبیرستان انجام شد، خانواده‌ها و دانش‌آموزان با نتایج و تقسیم‌بندی‌های اعجاب‌انگیزی مواجه شدند. این فقدان کارایی و نتایج ضدونقیض تا آنجایی پیش رفت که زمینه‌های ورود رسانه ملی را نیز به دنبال داشت.

(۲) فقدان نیازسنجی شغلی بر حسب گروه‌ها و رشته‌های تحصیلی

یکی از اساسی‌ترین مشکلات وابسته به حوزه سنجش و پذیرش دانشجو در سال‌های گذشته، مشخص نبودن تعداد نیروی انسانی متخصص مورد نیاز کشور بر حسب گروه‌های علمی است. در برهه‌های از زمان شاهد اوج‌گیری (دهه ۸۰) و ورود متقاضیان به رشته فنی مهندسی بوده‌ایم و در سالیان گذشته (دهه ۹۰) اوج تقاضا برای ورود به رشته علوم تجربی شدت گرفته است^۱. البته چند سالی است که وضعیت رشته علوم انسانی با فراز و نشیب‌هایی همراه بوده است و به اذعان متخصصان ممکن است روند اوج‌گیری تقاضا برای ورود به رشته علوم انسانی را شدت بخشد. همه این موارد حاکی از آن است که وضعیت نیروی متخصص مورد نیاز کشور مشخص، دقیق و مناسب با نیاز جامعه و صنعت نبوده است و متقاضیان بدون آگاهی از تعداد پذیرش گروه‌های تحصیلی نمی‌توانند تصمیمات درست برای انتخاب رشته تحصیلی

۱. منبع: تحلیل آمار دانشجویی بر اساس سالنامه آماری موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی

بگیرند. مقولات فرعی تشکیل‌دهنده این مقوله کلی عبارت‌اند از: مشخص نبودن تعداد نیروی انسانی متخصص مورد نیاز کشور بر حسب گروه‌ها، رشته‌ها و سطوح تحصیلی؛ فقدان تعیین تعداد مناسب دانشجو بر حسب گروه‌های آموزشی و رشته‌های تحصیلی و ... با این حال انتظار می‌رود تدابیری اتخاذ گردد تا زمینه‌های شناسایی و نیاز جامعه در بخش‌های گوناگون علمی و شغلی مشخص شود.

۳) بی‌توجهی به افزایش آموزش‌های مهارت‌آموزی و گسترش رشته‌های فنی و حرفه‌ای

بی‌توجهی به افزایش آموزش‌های مهارت‌آموزی و گسترش رشته‌های فنی و حرفه‌ای از جمله مهم‌ترین مسائل مرتبط با حوزه سنجش و پذیرش دانشجو به شمار می‌رود. امروزه با توجه به بیکاری دانش‌آموختگان دانشگاهی و نداشتن مهارت‌های لازم جهت ورود به جامعه و بازار کار، آموزش‌های فنی و حرفه‌ای نقش مهمی در پرکردن این شکاف‌ها دارند. برای موفقیت در بازار رقابتی امروز مباحث تئوری و نظری صرف، کارایی مطلوبی در جامعه نخواهد داشت و پیگیری مباحث عملی و فنی می‌تواند برای حضور در جامعه مؤثرتر باشد. این در صورتی است که در دنیای کنونی بخش اعظمی از ظرفیت نیروی انسانی در حوزه‌های فنی و مهارت‌های فنی و حرفه‌ای مشغول به فعالیت هستند، به‌عنوان نمونه کشورهایی به مانند آلمان و چین توجه ویژه‌ای به مهارت‌های فنی و گسترش مهارت‌آموزی در بین افراد جامعه خود دارند. این موضوع - کم‌توجهی به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای علی‌رغم نقش مؤثر آن در توسعه و اشتغال و عدالت اجتماعی - در گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۳۹۵) نیز مورد توجه قرار گرفته است. مقوله‌های فرعی این محور اصلی عبارتند از: عدم تأکید بر گسترش آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در نظام آموزش و پرورش رسمی و عمومی؛ بی‌توجهی به گسترش آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در سنجش و پذیرش دانشجویان و فقدان ارتباط مطلوب نظام آموزشی (عمومی و عالی) با صنعت.

۴) فقدان عزم جدی در حذف و یا اصلاح کنکور سراسری به شیوه حاضر

گفتمان‌های حاکم بر رفتارهای افراد و مسئولین امر در برخی از موارد نشان می‌دهد، چندان اعتقادی به حذف و یا اصلاح کنکور و اثرات مطلوب استفاده از رویکردهای نوین و جدید در این حوزه وجود ندارد. در واقع، سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان امر از ظرفیت‌های لازم جهت پذیرش تغییر و قبول ایده‌های نو استقبال نمی‌کنند؛ چرا که پذیرش این موضوع، تبعات اجتماعی و روان‌شناختی متعددی را برای آنها به همراه دارد. مقوله‌های فرعی شکل‌دهنده این مقوله اصلی بر فقدان عزم جدی در حذف کنکور در سال‌های اخیر و عدم تمایل دستگاه‌ها برای ورود به حذف کنکور استوار است. مشاهده می‌شود با وجود طرح حذف کنکو و سامان‌دهی وضعیت سنجش و پذیرش دانشجو در طی چند سال، این موضوع صرفاً در حد حرف و شعار باقی مانده و جنبه اجرایی به خود نگرفته است. زیرا افراد و نهادهای ذی‌نفع و ذی‌ربط این موضوع را یا

قابل اجرا نمی‌دانند و یا تمایلی به ورود به این حوزه ندارند. به همین خاطر سعی می‌کنند که برنامه‌های خود ناظر را بر برگزاری کنکور به شیوه حاضر همسو نمایند.

۵) فقدان کارگروه‌های تخصصی به‌منظور، همکاری، هماهنگی و وحدت رویه دستگاه‌های مرتبط با حوزه سنجش و پذیرش دانشجو

ضرورت و لزوم تشکیل کارگروه‌های تخصصی و هماهنگی دستگاه‌های مرتبط با حوزه سنجش و پذیرش دانشجو از جمله مواردی است که بر اساس مصاحبه با افراد، یافته‌های سیاست‌پژوهی و پژوهش‌های گذشته به‌عنوان یکی از موارد مهم در سامان‌دهی به حوزه سنجش و پذیرش دانشجو از آن یاد شده است. واقعیت‌های موجود و شرایط پیش‌رو و هم‌چنین اظهارات صاحب‌نظران نشان می‌دهد که دستگاه‌های مرتبط چندان هماهنگی مناسب و مطلوبی با یکدیگر نداشته، و در برخی از موارد به‌صورت جزیره‌ای عمل می‌کنند. حتی به اذعان برخی متخصصان، دستگاه‌های بزرگ درصددند که حذف کنکور را به‌عنوان دستاوردی برای مجموعه خود ذکر کنند. این هماهنگی‌ها مشکلات گسترده‌ای را به وجود آورده است و ملزومات تحقق حذف کنکور و یا اصلاح آن را با نابسامانی خاصی مواجه ساخته است. به‌عبارت دیگر فقدان حاکمیت سیاست واحد بر نهادهایی که به نحوی با موضوع تعلیم و تربیت در ارتباط هستند، از چالش‌های حوزه آموزش کشور محسوب می‌شود که دستگاه‌ها را به عملکرد جزیره‌ای ترغیب و هدایت می‌کند. مقوله‌های فرعی این زمینه عبارت‌اند: عملکرد جزیره‌ای دستگاه‌های متولی سنجش و پذیرش؛ درگیر شدن نهادهای مختلف در زمینه سنجش و پذیرش؛ فقدان وحدت‌رویه در نهادهای تصمیم‌گیری؛ تعدد دستگاه‌های سیاست‌گذار در حوزه آموزش و ورود نهادهای غیرتخصصی در تصمیم‌گیری‌های سنجش و پذیرش.

۶) فقدان تشکیل نظام سنجش و پذیرش

شاید بتوان عنوان کرد که سامان‌دهی حوزه سنجش و پذیرش دانشجو بدون تشکیل نظام سنجش و پذیرش دانشجو به موفقیت‌های چندانی دست نخواهد یافت. هدف از سامان‌دهی، اجرای اقدامات مؤثر، پیگیری‌های مناسب و ارائه راهکارهای مطلوبی جهت تحقق وضعیت مناسب سنجش و پذیرش بر اساس شرایط و نیازهای کشور، علایق، توانمندی‌ها، پرورش خلاقیت و ویژگی‌های افراد می‌باشد. به‌گونه‌ای که سنجش و پذیرش دانشجو از قالب حافظه‌محوری با فقدان تناسب با بخش‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی کشور به یک مسئله مهم در ارتقای نظام آموزشی کشور مبدل گردد. مقوله‌های فرعی این مؤلفه شامل: بی‌توجهی تفکیک و جداسازی فرایند سنجش از پذیرش دانشجو در نظام آموزش عالی؛ عدم مشارکت و استقلال دانشگاه‌ها در سنجش و گزینش دانشجویان و فقدان تشکیل نظام سنجش و پذیرش

است. می‌توان اذعان داشت موضوع اصلی در این زمینه، تأکید بر نقش و مشارکت دانشگاه‌ها در حوزه سنجش و پذیرش دانشجویان است. واقعیت‌ها و شواهد موجود و نتایج یافته‌ها نشان‌دهنده یکی از ضعف‌های نظام سنجش و پذیرش فعلی در نادیده‌انگاری نقش دانشگاه در سنجش و پذیرش دانشجویان است. در شیوه گزینش کنکور به شیوه حاضر، در بهترین حالت، دانشگاه‌ها می‌توانند تنها برای تعداد استادان و تعداد پذیرش دانشجویان (به‌ویژه در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد) برنامه‌ریزی کنند. البته در مقطع دکتری تخصصی دانشگاه‌ها از نقش فعال‌تری برخوردارند. در صورتی که دانشگاه‌ها به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین کانون‌ها و عناصر کلیدی در این حوزه باید نقش مؤثرتری در سنجش و پذیرش ایفا نمایند.

۷) عدم ارتباط مطلوب آموزش‌های رسمی با بازار کار و صنعت

از جمله موارد مطلوب حاصل از تحلیل پژوهش‌های پیشین، ضرورت ارتباط آموزش‌های رسمی با بازار کار و صنعت است. نتایج مطالعات و گزارش‌های علمی و فنی و واقعیت‌های موجود نشان می‌دهد که متخصصان و فعالان حوزه تعلیم و تربیت از فقدان ارتباط مناسب آموزش‌های رسمی با بازار کار و صنعت به‌ویژه در آموزش عمومی و رسمی گلایه داشته و بر این باورند که نبود این ارتباط مطلوب، کارایی حوزه سنجش و پذیرش را با مشکلاتی مواجه ساخته است. به‌طوری‌که فقدان ارتباط آموزش با بازار کار و صنعت موجب شده است که بخش عمده‌ای از دانش‌آموزان تنها به تحصیل و فراگیری تئوری و مباحث نظری مبادرت ورزند و از فراگیری مشاغل و تخصص‌های فنی عاجز باشند. در این صورت دانش‌آموزان تنها راه موفقیت خود را شرکت در کنکور می‌دانند و برای مشاغل فنی و مورد نیاز جامعه چندان تلاشی از خود نشان ندهند. اما چنانچه دانش‌آموزان در حین تحصیل با بازار کار و صنعت ارتباط تنگاتنگ و مناسب برقرار کنند؛ این امکان وجود دارد که برای شرکت در کنکور چندان علاقه‌ای نداشته باشند و بتوانند با حضور در بازار کار و ورود به عرصه‌ی صنعت به بهبود وضعیت اقتصاد خویش، خانواده و جامعه کمک کنند و از پدیده بیکاری مزمن در جامعه نیز کاسته شود. برخی از مؤلفه‌های این مقوله شامل: فقدان ارتباط گسترش آموزش‌های عالی با اشتغال؛ فقدان ارتباط آموزش‌های رسمی با بازار کار؛ فقدان ارتباط بین گسترش آموزش عالی با شرایط اقتصادی، اجتماعی کشور و فقدان ارتباط بین گزینش دانشجویان و بازار کار و تحولات کمی و کیفی است.

۸) فقدان توجه به عدالت آموزشی و نفی اختلاف طبقاتی در سنجش و پذیرش

بدون شک عدالت محوری و نفی اختلاف طبقاتی موضوعی است که می‌بایست در سنجش و پذیرش دانشجویان مورد توجه قرار گیرد. در واقع سنجش و پذیرش دانشجویان می‌بایست به‌طوری صورت پذیرد که مفروضه‌ها و پیوست عدالتی داشته باشد. در شیوه گزینش کنکور، بسیار مشاهده می‌گردد که دانش

آموزان طبقات بالای اقتصادی، اجتماعی جامعه با برخورداری از امکانات مالی بهتر موفق به کسب رتبه‌های برتر آزمون سراسری شده‌اند و دانشگاه‌های برتر کشور نیز میزبان این افراد بوده است. چرا که در آزمون سراسری حال حاضر، افراد با حضور در کلاس‌های کنکوری و با تکیه بر قدرت تست‌زنی و البته کسب شگردهای آن، به رتبه‌های برتر دست می‌یابند و به استعداد، علایق و توانمندی‌های آنان کمترین توجهی صورت نمی‌گیرد. انتظار می‌رود که در سنجش و پذیرش دانشجو به مهارت‌های اجتماعی افراد، استعداد و توانمندی‌های آنان توجه شود.

۹) بی‌توجهی به اهمیت و ارجحیت اهداف و برنامه‌های آموزش رسمی - عمومی

از آثار مخرب برگزاری کنکور به شیوه کنونی، تحت‌الشعاع قرار گرفتن آموزش‌های رسمی و عمومی توسط آموزش‌های غیررسمی است. به معنای دیگر می‌توان اذعان داشت مطابق نظریات حوزه برنامه درسی بروز «برنامه درسی سایه»^۱ برنامه درسی زیرزمینی^۲ در شرایط کنونی امری غیرقابل انکار است. برنامه درسی سایه به این موضوع اشاره دارد که برنامه‌های درسی غیررسمی بر نظام آموزشی حاکم می‌شود و برنامه‌های رسمی نیز مورد بی‌توجهی قرار می‌گیرد.^۳ در حال حاضر به‌وضوح می‌توان مشاهده کرد که آموزش‌های مؤسسات آموزشی غیررسمی و فعال حوزه کنکور سراسری از اهمیت بالاتری برای دانش‌آموزان والدین برخوردار است. حتی در برخی از موارد دیده می‌شود که بروز و ظهور برنامه درسی سایه، معلمان را نیز به آن‌سو کشانده که حضور در کلاس‌های آموزشی را به کلاس مدارس ترجیح دهند، زیرا با فعالیت در این مؤسسات به لحاظ مالی حمایت می‌شوند و در صورت کسب رتبه برتر از سوی شرکت‌کنندگان مؤسسات، از اعتبار اجتماعی بالاتری برخوردار می‌گردند. غلبه آموزش‌های غیررسمی بر آموزش عمومی و عقیم ماندن برنامه‌های آموزشی و درسی رسمی از جمله مواردی است که برنامه‌های درسی مدارس را از هویت اصلی خود تهی کرده است. از این‌رو به نظر می‌رسد که پرداختن به حوزه سنجش و پذیرش دانشجو و کسب موفقیت لازم در این زمینه، بدون برگرداندن آموزش‌های رسمی و عمومی به هویت اصلی خویش، مقدور نخواهد بود.

۱۰) فقدان اطلاع‌رسانی و مشاوره تحصیلی - شغلی مطلوب در ادامه تحصیل

از جمله اساسی‌ترین مواردی که در سنجش و پذیرش دانشجو به شیوه کنونی در بر داشته، افزایش

1. Shadow Curriculum

2. Underground Curriculum

۳. یعنی نظام آموزشی و مدارس به‌عنوان ابزاری برای تسلط گروهی با فرهنگی خاص باشد و ... برای کسب اطلاعات بیشتر

در این زمینه ر.ج.ک. به: بازدار قمچی قیه و همکاران، ۱۳۹۷، ۱۳۹۹

بیکاری تحصیل‌کردگان دانشگاهی است، که یکی از عوامل آن فقدان اطلاع‌رسانی و مشاوره تحصیلی - شغلی به دانش آموزان و متقاضیان ورود به دوره‌های آموزش عالی است. واقعیت‌ها و شواهد موجود در فضای جامعه حکایت از آن دارد که در برخی از موارد افراد بدون اطلاع کافی از مزایا، ظرفیت‌ها و آینده شغلی رشته - محل تحصیلی اقدام به انتخاب رشته کرده و در سال‌های بعد و در زمان فراغت از تحصیل با پشیمانی از رشته تحصیلی درصدد تغییر رشته برآمده و یا با بیکاری در جامعه دست‌وپنجه نرم می‌کنند. به‌گونه‌ای که بخشی از این موارد می‌تواند با اطلاع‌رسانی مناسب شغلی به افراد و در سایه ایجاد سامانه نیازسنجی شغلی تا حد زیادی برطرف شود.^۱ اما ذکر این نکته ضروری است که مشاوره‌های شغلی در دوره دبیرستان می‌تواند تا حد زیادی از بار اطلاعات ناقص و مشکلات ناشی از آن در سنجش و پذیرش دانشجو بکاهد. مقوله‌های فرعی نظیر: فقدان آشنایی افراد با کد رشته محل و آینده شغلی تحصیلی؛ محدودیت در انتخاب رشته برای افراد؛ ضرورت شفافیت در رتبه‌های سال‌های قبل و ضرورت اطلاع‌رسانی جامع و فنی از سوی افراد مجرب از جمله موارد تشکیل‌دهنده این مقوله اصلی به شمار می‌روند.

۱۱) عدم استفاده از سؤالات تشریحی در سنجش توانایی افراد

بسیاری از افراد در برنامه‌ها، گفتگوهای روزانه از این مورد گلایه دارند که چرا سرنوشت و آینده افراد بایستی در گرو سؤالات تستی - حافظه‌محور و در زمان چهارساعته مشخص شود. اعتقاد بر این است که سؤالات تستی به هیچ‌عنوان نمی‌تواند زمینه‌های شناسایی استعداد، علایق و توانمندی افراد و متقاضیان ورود به آموزش عالی را بسنجد. از معایب این‌گونه سنجش و پذیرش به شکلی است که متقاضیان به‌طور عادی و بدون هیچ اطلاعی از پاسخ درست، یک‌چهارم یا ۲۵ درصد شانس پاسخگویی به سؤال درست را خواهند داشت. می‌توان عنوان کرد که این نوع سنجش در زمره یکی از ضعیف‌ترین انواع سنجش محسوب می‌شود. لذا مطلوب خواهد بود به منظور سنجش جامع توانمندی‌های متقاضیان از ترکیبی از سؤالات تشریحی و تستی به همراه برخی سوابق علمی، فرهنگی، اجتماعی و فوق برنامه‌ها با ضرایب متناسبی استفاده گردد.

۱۲) فقدان التزام و توجه به آمایش آموزش عالی و رشته‌های آموزشی در سنجش و پذیرش دانشجو

التزام و توجه به آمایش آموزش عالی و نیاز رشته‌ها در سنجش و پذیرش دانشجو از جمله موارد اساسی

۱. اطلاعات نقش زیادی در موفقیت افراد و اخذ تصمیمات اثربخش و با کیفیت در دنیای امروزی دارد اطلاعات ناقص باعث تصمیمات و اقدامات نامناسب و بد و در نتیجه اثرات و پیامدهای نامطلوب بر آینده فرد خواهد شد.

در سامان‌دهی به حوزه سنجش و پذیرش دانشجو است. چرا که در آمایش آموزش عالی نیازهای مناطق کشور با ظرفیت و عملکرد دانشگاه‌ها و سنجش و پذیرش دانشجو مطابقت خواهد داشت. به‌طوری که افراد با توجه به مزایای مناطق و شهرهای خود اقدام به انتخاب رشته خواهند کرد. به‌طور مثال در منطقه مازندران ویژگی‌های سرزمینی این منطقه است که می‌تواند در سنجش و پذیرش دانشجو مؤثر باشد و نیازهای این استان می‌تواند بهترین تعیین‌کننده تعداد دانشجو و تعداد مشاغل مورد نیاز باشد. در صورتی که در برخی از مناطق بدون توجه به ویژگی‌های سرزمینی و آمایش آموزش عالی نسبت به تأمین دانشجو اقدام کرده که متأسفانه منجر به افزایش بیکاری و بهره‌وری نیروی کار متخصص می‌شود؛ درحالی که دانشگاه‌ها تنها به دنبال جذب سرانه دانشجویی خود هستند. با تعیین قطب‌های کشوری می‌توان انتظار داشت که در سنجش و پذیرش دانشجویان متناسب با نیازهای مناطق عمل کرد.

۱۳) فقدان التزام دستگاه‌های مسئول در اجرای مصوبات و قوانین حوزه سنجش و پذیرش

بر اساس نتایج پژوهش، از جمله چالش‌های حوزه آموزش و به‌ویژه آموزش و پرورش ناظر بر مباحث سیاست‌گذاری «ضعف در اجرای کامل قانون سنجش و پذیرش دانشجو در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور یا به عبارتی عدم تمکین به قانون و مصوبات موجود در این حوزه» است. در برخی از موارد دیده شده است که دستگاه‌های مرتبط با حوزه سنجش و پذیرش دانشجو از زیر بار اجرای مصوبات حوزه سنجش و پذیرش دانشجو شانه خالی کرده و تاحداً مکان به اجرای مصوبات تن نمی‌دهند، البته ممکن است دلایل مختلفی برای عدم اجرای کامل مصوبات داشته باشند. بدون شک برای تضمین اجرای مصوبات بایستی التزاماتی در نظر گرفت. به‌طوری که دستگاه‌های ناظر مصوبات و قوانین به مانند مجلس شورای اسلامی و شورای عالی انقلاب فرهنگی به مسئولیت خود در قبال نظارت بر حسن اجرای مصوبات به‌خوبی عمل کرده و دستگاه‌هایی را که در قبال مصوبات و قوانین حوزه سنجش و پذیرش کم‌کاری می‌کنند، مورد بازخواست قرار دهند. از مهم‌ترین مؤلفه‌های مربوط به این مقوله می‌توان به: وجود شکاف بین اسناد بالادستی و سطوح اجرایی؛ فقدان پیگیری و اجرای کامل قوانین سنجش و پذیرش و فقدان نگاهت نهادی ملی در تعیین و اجرای وظایف دستگاه‌ها در سنجش و پذیرش اشاره نمود.

۱۴) بی‌توجهی به افزایش علاقه‌مندی افراد در گرایش به تحصیل در رشته‌های علوم

انسانی و علوم پایه

پس از دوره‌ای که علاقه‌مندی افراد برای حضور در رشته‌های علوم پایه اوج گرفت. چند سالی است که وضعیت گرایش به تحصیل برای حضور در این گروه فرایندی کاهشی را دنبال می‌کند. به‌وضوح مشخص است که در سالیان گذشته یک سونامی برای حضور در رشته علوم تجربی شکل گرفته است که جدای از

مزایا و جایگاه آینده افراد در جامعه، هویداست که هدایت تحصیلی در دوره دبیرستان به‌خوبی شکل نگرفته است. از این‌رو انتظار می‌رود که در ساماندهی نظام سنجش و پذیرش دانشجو برای حضور افراد در رشته‌های علوم پایه تمهیدات ویژه‌ای در نظر گرفته شود. چنانچه چنین اتفاقی نیافتد در آینده نزدیک با مشکل فقدان متخصص کافی در حوزهٔ فنی مهندسی روبه‌رو خواهیم بود. این در حالی است که گرایش به تحصیل در گروه علوم انسانی در یک دههٔ گذشته نسبت به گروه علوم پایه و علوم تجربی چندان در وضعیت خوبی قرار نداشته است. در بین گروه‌های نظری کمترین متقاضی را در بین دانش‌آموزان با معدل‌های بالا به خود اختصاص می‌داد. هر چند در سال‌های گذشته وضعیت حضور و علاقه‌مندی افراد در گروه علوم انسانی به مقداری کمی افزایش پیدا کرده است. اما انتظار می‌رود در ساماندهی وضعیت سنجش و پذیرش دانشجو به میزان و تعداد مورد نیاز در گروه‌های علوم انسانی اقدام شود. به‌طوری که زمینه‌های گرایش و علاقه‌مندی افراد به رشته‌های علوم انسانی مهیا شود.

۱۵) فقدان بازتعریف سهمیه‌های حوزهٔ سنجش و پذیرش دانشجو؛

در مصاحبه با افراد متخصص در حوزهٔ سنجش و پذیرش دانشجو، مشخص شد که آن‌ها ازدیاد سهمیه‌های مختلف را به عنوان یکی از معضلات سنجش و پذیرش دانشجو عنوان می‌کنند. مثلاً یکی از مصاحبه‌شوندگان (Intw₁₀) معتقد است که «سهمیه‌ها و بومی‌گزینی یکی از مشکلات اساسی کنکور است. چرا اصلاح نمی‌شود. باید بازبینی شود. اصلاً برخی مناطق برخوردار شدند چرا این معیارها تغییر نکرده است؟». در این بین می‌توان افزود که بیش از ۲۰ سهمیهٔ مختلف در نظام سنجش و پذیرش دانشجو وجود دارد. به‌عنوان نمونه یکی از سهمیه‌های این حوزه که در سال‌های اخیر سروصدای بسیاری به پا کرد، سهمیه فرزندان اعضای هیئت علمی است. این سهمیه که مربوط به فرزندان اعضای هیئت علمی است، به آنان این امکان را می‌دهد که در صورت کسب حد نصاب خاص از دانشگاه محل تحصیل به دانشگاه محل خدمت والدین خود انتقال یابد. در این بین می‌توان عنوان کرد که سامان‌دهی و بررسی وضعیت سهمیه‌ها در حوزهٔ سنجش و پذیرش دانشجو می‌تواند یک راهکار مهم در این زمینه باشد.

۱۶) فقدان شفافیت آماری در خصوص ظرفیت‌های پذیرش دانشجو، تدوین سؤالات و

نمرات اکتسابی افراد

شفافیت آماری یکی از مهم‌ترین مسائلی است که می‌تواند در سامان‌دهی به حوزهٔ سنجش و پذیرش دانشجو، از بسیاری مشکلات حال حاضر و پیش‌رو جلوگیری کند. در برخی از موارد مشاهده می‌شود که دانش‌آموزان بدون دریافت و اطلاع از نقشهٔ آیندهٔ شغلی و تعداد و آمار پذیرش دانشجو اقدام به انتخاب رشته در دورهٔ دبیرستان یا کنکور سراسری کرده؛ که در این شرایط نمی‌توانند انتخاب خوبی داشته باشند.

این در صورتی است که افراد با توجه به ویژگی‌ها و استعدادهای خود می‌توانند با اطلاع از آمار و ارقام مختلف انتخاب مطلوبی داشته باشند. همچنین افراد با اطلاع از تراز و نمرات قبولی‌های سال‌های گذشته انتخاب دقیق‌تری داشته باشند. از مهم‌ترین مؤلفه‌های این مقوله عبارتند از: فقدان شفافیت تعداد و آمار پذیرش دانشجو؛ بی‌توجهی به شفافیت نمرات و تراز متقاضیان؛ وجود سؤالات تستی نامناسب در کنکور سراسری و شفاف‌نبودن چگونگی پذیرش افراد بر اساس سهمیه.

۱۷) فقدان توجه به ویژگی‌های فردی، خلاقیت و مهارت‌های اجتماعی در سنجش و پذیرش دانشجو؛

یکی از ضعف‌های سنجش و پذیرش دانشجو به شیوه حاضر عدم توجه به ویژگی‌ها و مهارت‌های فردی و اجتماعی افراد است. در صورتی که در ساماندهی به نظام سنجش و پذیرش دانشجو این انتظار وجود دارد که ویژگی‌های فردی، خلاقیت و مهارت‌های اجتماعی افراد و سوابق علمی، فرهنگی، اجتماعی و فوق‌برنامه‌ی آن‌ها در مقطع متوسطه مورد توجه قرار گیرد. چنانچه توجهات لازم نسبت به مهارت‌های اجتماعی و خلاقیت افراد به‌خوبی شکل نگیرد، هم‌چنان در آینده شاهد هستیم که برخی از افراد با علاقه‌ی رشته‌ای را خوانده‌اند و مترصد یافتن موقعیتی برای تغییر رشته خود هستند که متأسفانه منجر به هدررفت حجم عظیمی از سرمایه‌های انسانی، امکانات و منابع مالی و ساختاری در جامعه می‌شود. مؤلفه‌های این محور، حافظه‌پروری حاکم بر سنجش و پذیرش دانشجو؛ بی‌توجهی به خلاقیت افراد در سنجش و پذیرش دانشجو و فقدان توجه به مهارت‌های اجتماعی افراد در سنجش و پذیرش دانشجو است.

۱۸) فقدان شناسایی و واکاوی تعارض منافع در حوزه سنجش و پذیرش؛

برخی از افراد بر این باورند که بسیاری از مشکلات حوزه سنجش و پذیرش دانشجو که منجر به عدم حذف کنکور و یا اصلاح آن شده است، ریشه در مسائل مالی، تعارض منافع و درآمد هنگفت حاصل از برگزاری کنکور دارد. درآمدهای حاصل از کنکور در بخش‌های مختلف اعم از مؤسسات کنکوری، معلمان همکار مؤسسات، سایت‌های مرتبط با کنکور، کتاب‌های کمک‌آموزشی و درآمد بالای سازمان سنجش تنها بخشی از مجموعه‌هایی است که به کسب درآمد می‌پردازند. به نظر می‌رسد قبل از حذف/اصلاح کنکور بایستی چاره‌ای برای این موضوع اندیشید تا بتوان با کمترین درگیری با ذی‌نفعان برگزاری کنکور نسبت به ساماندهی سنجش و پذیرش دانشجو اقدام کرد. مؤلفه‌های این محور نیز ذی‌نفعی و درآمد بالای سازمان سنجش از کنکور؛ انحصارگرایی برخی رشته‌ها در سنجش و پذیرش دانشجو؛ درآمد هنگفت رسانه‌ای و تبلیغات صداوسیما از محل کنکور؛ حضور پررنگ مؤسسات کنکوری در تبلیغات صداوسیما و عدم نظارت وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات بر تبلیغات مجازی مؤسسات قانونی و غیرقانونی است.

در پایان به منظور ارائه نتایج در چارچوبی مدون، یافته‌های اصلی پژوهش تحت عنوان آسیب‌ها و مشکلات موجود در حوزه سنجش و پذیرش دانشجو در قالب نمودار (۱) تدوین و ارائه شده است.



نمودار ۱: آسیب‌شناسی حوزه سنجش و پذیرش دانشجو

نتایج

بیش از چهل سال است که کنکور سراسری تنها معیار نظام آموزش عالی ایران به منظور پذیرش فارغ التحصیلان نظام آموزش متوسطه است (حسینی لرگانی و محمدی، ۱۳۹۶). کنکور سراسری در ایران به‌ویژه در یکی دو دهه اخیر، از یک آزمون سنجش شایستگی متقاضیان جهت ورود به نظام آموزش عالی فراتر رفته است. تا جایی که حتی برخی از افراد بر این باورند که کنکور به مثابه یک عنصر در انتقال پایگاه اجتماعی افراد (جایگاهی و تحرک بین‌نسلی) عمل می‌کند و می‌تواند سرنوشت و مسیر زندگی متقاضیان را تغییر دهد. همین موضوع موجبات سرمایه‌گذاری خانواده‌ها در آموزش را به‌منظور عملکرد بهتر، کسب رتبه‌های بالا و ارتقای منزلت خانوادگی، اجتماعی و سیاسی فراهم آورده است. موضوع مهم در این زمینه این است آزمون سراسری با وجود ارزشمند بودن، به دلیل ماهیت وجودی آن و وجود برخی محدودیت‌های ساختاری - کارکردی و ضعف عملکردی در روش و اجرا (نظر و عمل) با مسائل و مشکلاتی مواجه می‌باشد که ضمن ناکارآمد جلوه‌دادن آن، باعث آسیب‌های اجتماعی، فرهنگی، روان‌شناختی متعددی در سطح فردی (افراد) و اجتماعی (جامعه) شده است. لذا این امر نیاز به اصلاح و بازنگری در روش و اجرای این آزمون با بررسی عمیق و رویکردی آسیب‌شناسانه به همراه ارائه راهکاری در جهت ارتقای کیفیت (ساختاری و کارکردی) نظام سنجش و پذیرش دانشجو، و بهینه‌سازی اجرای آن ضروری می‌نماید. در

همین راستا، پژوهش حاضر با هدف شناسایی و احصای مشکلات و آسیب‌های فراروی نظام سنجش و پذیرش دانشجو با نگاه کمک به ارتقای اثربخشی و کارایی این نظام صورت گرفته است. یافته‌های پژوهش منجر به احصاء ۷۳ خرده مقوله و تشکیل ۱۸ مقوله شد. براساس نتایج پژوهش حاضر، کیفیت پایین نظام سنجش و پذیرش دانشجو و و بدکارکردی و کژکارکردی یا به عبارتی ناکارآمدی آن در کشور به دلیل وجود برخی محدودیت‌های ساختاری و محتوایی در ماهیت وجودی آزمون و ضعف‌های عملکردی در سطح خرد (دستگاه‌های اجرایی) و کلان (نظام سیاست‌گذاری و تصمیم‌سازی) کشور و هم‌چنین شرایط محیطی و فضای فرهنگی - اجتماعی حاکم بر جامعه می‌باشد که در قالب آسیب‌شناسی و عارضه‌یابی مشکلات حوزه سنجش و پذیرش دانشجو شناسایی و ارائه شده است. از آنجایی که نظام‌های آموزشی در کشورهای مختلف نقش حیاتی در تعریف و هدایت امور و برنامه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و پویایی سیاسی ایفا می‌کند، می‌بایست اجزای آن به خوبی طراحی و به کارگیری شود، چرا که آموزش و پرورش ظرفیت عدالت اجتماعی و اقتصادی را بالا می‌برد (گیزمبا، ۲۰۱۰؛ سلیمی و پاسالاری، ۱۳۹۶) در این بین یکی از اجزای نظام آموزشی که حد واسط نظام آموزش عمومی و ورود به آموزش عالی است، حوزه سنجش و پذیرش دانشجو است. به عبارتی سنجش افراد برای ورود به نظام آموزش عالی به مثابه‌ی یک حوزه قابل اعتنا است که انتظار می‌رود مسئولان و دست‌اندرکاران حوزه آموزش کشور در خط مشی‌گذاری، مقوله‌های احصائی را مد نظر قرار دهند تا شاهد اثربخشی و کاهش اثرات مخرب کنکور سراسری باشیم. لذا به منظور دستیابی به نظام مطلوب سنجش و پذیرش دانشجو و رفع بدکارکردهای آن پیشنهاد می‌شود:

- ۱) به‌منظور سامان‌دهی به وضعیت حوزه سنجش و پذیرش دانشجو لازم است که ضمن تلاش‌های همه‌جانبه، از سوی دستگاه‌های مختلف ذی‌نفع و ذی‌ربط، نهادهای نظارتی به‌صورت مدون، جهت جمع‌آوری گزارش اقدامات صورت گرفته و میزان حصول نتایج و پیشرفت قوانین اجرایی اقدام کنند.
- ۲) ایجاد سامانه نیازسنجی شغلی بر حسب گروه‌های مختلف تحصیلی، ناظر بر آمایش سرزمینی که بتواند برآورد مناسبی از وضعیت تعداد نیروی متخصص مورد نیاز کشور در مناطق مختلف ارائه دهد. به تبع آن نیز از گسترش بیکاری در کشور جلوگیری کند.
- ۳) گسترش برنامه‌ها و دوره‌های مهارت‌آموزی و توجه به مهارت‌های فنی و حرفه‌ای موضوع دیگری است که تا حدودی می‌تواند از رقابت صرف بدون توجه به شرایط و اقتضائات ملی جلوگیری کرده و افراد جامعه در قالب مهارت‌های عملی و فنی توانمند سازد.

- ۴) استفاده از سؤالات تشریحی و لحاظ نمودن سوابق علمی، فرهنگی، اجتماعی و فوق‌برنامه افراد، به منظور سنجش دقیق و واقعی توانمندی‌ها، مهارت و شایستگی آنها؛ به گونه‌ای که از این طریق بتوانند در مسیر تحصیل، شغلیابی و تعالی شغلی فرایند عملکرد افراد و سازمان‌های جامعه را بهبود بخشند.
- ۵) تدوین دستورالعمل‌های لازم در خصوص عدم تعارض منافع در حوزه سنجش و پذیرش دانشجو، به گونه‌ای که ضمن رعایت حقوق افراد جامعه، زمینه‌های ناعدالتی و جابه‌جایی هنگفت سرمایه کشور را مدیریت نماید.
- ۶) تدوین دستورالعمل‌های مناسب جهت اهتمام به اجرای سند آمایش آموزش عالی؛ به گونه‌ای که بتواند زمینه‌های تداخل کارکردی دانشگاه‌ها را فراهم آورده و منجر به افزایش بهره‌وری از ظرفیت مناطق و استان‌های مختلف کشور متناسب با زیست بوم محلی گردد.
- ۷) تشکیل کارگروه تخصصی سنجش و پذیرش دانشجو به منظور رصد عملکرد سنجش و پذیرش دانشجو در کشور، کمک به تدوین قانون مدون در این حوزه، نظارت بر حسن اجرای آن در کشور، شناسایی ضعف‌های موجود و ارائه راهکارها جهت رفع و کاهش آن، به گونه‌ای که بتواند زمینه‌ای را برای بهینه‌سازی فرایند نظام سنجش و پذیرش دانشجو در کشور فراهم نماید.

تقدیر و تشکر

پژوهش حاضر مستخرج از طرح سیاست‌پژوهی «تحلیل سیاست‌های سنجش و پذیرش دانشجو و ارائه بسته سیاستی» است که در پژوهشکده سیاست‌پژوهی و مطالعات راهبردی حکمت انجام شده است. از این‌رو از پژوهشکده حکمت به دلیل حمایت مالی از پژوهش حاضر تشکر می‌شود.

منابع

- امیدیان، مرتضی؛ رحمتی، امین و فرهادی‌راد، حمید. (۱۳۹۷). تجربه زیسته شرکت در کنکور با تأکید بر پیامدهای استرس‌زای آن. فصلنامه آموزش عالی ایران، ۱۰(۲)، ۱۹-۱.
- جلالی، محمدرضا (۱۳۸۶). تحلیل رابطه نابرابری‌های طبقاتی و نابرابری‌های آموزشی با تأکید بر نقش متغیرهای واسطه‌ای. فصلنامه تعلیم و تربیت، ۲۳(۳-پیاپی ۹۱)، ۵۳-۱۵.
- حسینی لرگانی، سیده مریم و محمدی، رضا. (۱۳۹۶). تبیین علل اثرگذار بر مراجعه دانش‌آموزان به آموزشگاه‌های آزاد کنکور، فصلنامه مطالعات و اندازه‌گیری و ارزشیابی آموزشی، ۷(۱۸): ۸۹-۵۳.
- خلافی، علی اکبر و حج‌فروش، احمد. (۱۳۹۱). بررسی تأثیر کنکور بر اهداف آموزشی در گذر از آموزش متوسطه به آموزش عالی. فصلنامه تعلیم و تربیت، ۱۱۲، ۹۸-۶۷.
- زارعی، رضا و اورنگی، عبدالمجید (۱۳۹۱). بررسی ملاک‌های مناسب برای گزینش دانشجو در دانشگاه‌های ایران از دیدگاه صاحب‌نظران، دوماهنامه علمی- پژوهشی رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، ۳(۱۲): ۲۲۱-۲۰۷.
- سبحانی، عبدالرضا و شهیدی، مهرداد. (۱۳۸۶). آسیب‌شناسی کنکور و بررسی امکان حذف آن در نظام پذیرش دانشجو، دانش و پژوهش در علوم تربیتی، ۴(۱۳)، ۱۸۱-۱۶۱.
- سجادی، رضا؛ کرمدوست، نوروزعلی؛ درانی، کمال؛ صالحی، کیوان و مقدم‌زاده، علی. (۱۳۹۶). واکاوی عوامل موفقیت افراد سرآمد در آزمون سراسری. فصلنامه مطالعات برنامه درسی آموزش عالی ایران، ۸(۱۶)، ۱۹۰-۱۶۳.
- سلیمی، جمال و پاسالاری، حامد. (۱۳۹۶). نقش ویژگی‌های اجتماعی و تحصیلی دانش‌آموختگان دبیرستانی استان هرمزگان در موفقیت آنان در آزمون ورودی دانشگاه‌ها، فصلنامه مطالعات اندازه‌گیری و ارزشیابی آموزشی، ۷(۱۸): ۹۱-۱۲۵.
- عابدی جعفری، حسن؛ تسلیمی، محمدسعید؛ فقیهی، ابوالحسن و شیخ‌زاده، محمد. (۱۳۹۰). تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی. دو فصلنامه اندیشه مدیریت راهبردی، ۵(۱۰)، ۱۹۸-۱۵۱.
- فتح‌آبادی، جلیل؛ شلانی، بیتا و صادقی، سعید. (۱۳۹۶). بررسی تأثیر آزمون سراسری دانشگاه‌ها بر دانش‌آموزان و خانواده‌های ایرانی، فصلنامه روانشناسی فرهنگی، ۱(۲)، ۷۱-۴۹.
- فتح‌تبارفیروزجانی، کاظم؛ شجاعی، علی؛ شهرام، ایمان و خادمی، فاطمه. (۱۴۰۰). آسیب‌شناسی وضعیت فعلی نظام سنجش کشور با تمرکز بر کنکور سراسری و ارائه راهکاری جهت بهبود الگوی سنجش و پذیرش دانشجو (مطالعه تطبیقی). نشریه پژوهش‌های تربیتی، ۸(۴۲)، ۷۷-۴۹.
- فتحی، جعفر. (۱۳۹۸). تحلیل سیاست‌گذاری نظام سنجش و پذیرش دانشجو در مراکز آموزش عالی ایران. مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی، ۵(۱)، ۱۶۴-۱۵۲.

قلی‌پور، رحمت‌الله و وثوقی‌نیری، عبدالله. (۱۳۹۲). تحلیل سیاست‌پژوهانه قانون سنجش و پذیرش دانشجویان در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور. فصلنامه علمی-ترویجی مطالعات منابع انسانی، ۴ (۱ پیاپی ۱): ۱۰۳-۱۲۸.

کریمی بهروزیان، احمد، افقی، نادر و عباداللهی چندانق، حمید. (۱۳۹۷). طبقه اجتماعی و رتبه کنکور: مطالعه انتقادی در دانشگاه بوعلی سینا همدان. مجله جامعه‌شناسی ایران، ۱۹ (۱)، ۶۷-۲۷.

کیانی، غلامرضا. (۱۳۹۴). سوابق تحصیلی و آزمون‌های سراسری جایگزین نظام کنکور محور: چرایی، چیستی و چگونگی تغییر، مطالعات زبان و ترجمه، ۴۸ (۴- پیاپی، ۲۶): ۲۶-۱.

گرامی‌پور، مسعود؛ فلسفی‌نژاد، محمدرضا؛ دلاور، علی و فرخی، نورعلی. (۱۳۹۱). مقایسه روش‌های تحلیل عاملی تأییدی ردگیری کنش افتراقی سؤالات آزمون‌های سرنوشت‌ساز. فصلنامه اندازه‌گیری تربیتی، ۹ (۳): ۱۰۵-۱۲۲.

مردیها، سید مرتضی. (۱۳۸۳). آسیب‌شناسی آزمون ورودی دانشگاه. فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، ۱۰ (۲-۱ پیاپی ۳۱-۳۲)، ۱۳۰-۹۱.

یادگارزاده، غلامرضا؛ پرند، کوروش و کنعانی، الناز. (۱۳۹۱). بررسی نظرات مشاوران مدارس پیش دانشگاهی در خصوص نیازها و مشکلات داوطلبان در فرایند انتخاب رشته آزمون سراسری (کنکور)، فصلنامه آموزش عالی ایران، ۴ (۴ پیاپی ۱۶): ۷۸-۵۷.

- Abedi Jafari, H., Taslimi, M.S., Faqihi, A., & Sheikhzadeh, M. (2011). Theme Analysis and Theme Network: a Simple and Efficient Way to Explain Patterns in Qualitative Data. *Strategic Management Thought*, 5(10), 151- 198. [In Persian]
- Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using Thematic Analysis in Psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3(2), 77- 101.
- Fathabadi, J., Shalani, B., & Sadeghi, S. (2017). Investigating the Impact of the University National Exam on Iranian Students and Families. *Cultural Psychology*, 1(2), 49- 71. [In Persian]
- Fathi, J. (2019). Policy Analysis of the Student Assessment and Admission System in Iran's Higher Education Centers. *Studies in Psychology and Educational Sciences*, 5(1), 152- 164. [In Persian]
- Fathtabar Firouzjaei, K., Shojaati A., Shahram I., Khademi F. (2021). Pathology of the Current Situation of the Student Assessment and Admission System in the Country with A Focus on the Entrance Examination and Providing A Solution to Improve the Student Assessment and Admission Model (A Comparative Study). *Journal of Educational Research*, 8(42), 49- 77. [In Persian]
- Geramipour, M., Falsafinejad, M.R., Delavar, A., & Farrokhi, N.A. (2012). Comparison of Confirmatory Factor Analysis Methods to Track the Differential Action of Critical Test Questions. *Journal of Educational Measurement*, 9(3), 105- 122. [In Persian]
- Gholipour, R., & Vosoghi Naeri, A. (2013). Research Policy Analysis of Student Assessment and Admission Law in Universities and Higher Education Centers of the Country. *Scientific-Promotional Quarterly of Human Resources Studies*, 3(11), 128- 130. [In Persian]

- Gisemba, J. (2010). Many Districts Left Behind: An Individual Change Analysis of Inequity in the Kenyan Primary Educational Opportunities (2001– 2007). *International Journal of Educational Development*, 30, 586– 591.
- Hosseini Largani, S.M., & Mohammadi, R. (2017). Explaining the Factors Affecting the Students' Visit to Open Entrance Exam Schools. *Educational Studies and Measurement and Evaluation Quarterly*, 7(18), 53 – 89. [In Persian]
- Jalali, M.R. (2007) Analysis of the Relationship between Class Inequalities and Educational Inequalities with Emphasis on the Role of Mediating Variables. *Education Quarterly*, 23(3). [In Persian]
- Karimi Behroozian, A., Ofoghi, N., & Ebadollahi Chenzaneq, H. (2018). Social Class and Entrance Exam Eank: a Critical Study at Boali Sinai University in Hamadan. *Iranian Journal of Sociology*, 19(1), 27 – 67. [In Persian]
- Khalaghi, A.A., Hajforoush, A. (2012). Examining the Impact of Entrance Exams on Educational Goals in the Transition from Secondary Education to Higher Education. *Quarterly Journal of Education*, 112, 67- 98. [In Persian]
- Kiyani, Gh. (2015). Educational Records and Universal Tests Instead of Entrance Exam System: Why, What and How to Change. *Language and Translation Studies*, 48(4), 1- 26. [In Persian]
- Mardiha, M. (2004). Pathology of University Entrance Exam. *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, 10(1), 130- 91. [In Persian]
- Omidian, M., Rahmati, A., & Farhadirad, H. (2017). The Lived Experience of Participating in the Entrance Examination with Emphasis on its Stressful Consequences. *Iranian Higher Education Quarterly*, 10(2), 1- 19. [In Persian]
- Sajjadi, R., Karamdoust, N.A., Durrani, K., Salehi, K., & Moghadamzadeh, A. (2017). Analyzing the Success Factors of Top People in the National Exam. *Bi- quarterly Journal of Higher Education Curriculum Studies*, 8(16), 163- 190. [In Persian]
- Salimi, J., & Pasalari, H. (2017). The Role of Social and Academic Characteristics of High School Graduates in Hormozgan Province in Their Success in University Entrance Exams. *Educational Measurement and Evaluation Studies*, 7(18), 91- 125. [In Persian]
- Sazegar, Z., & Motalebzadeh, K. (2017). Iranian National University Entrance Examination (Konkoor) of B.A.:An Analysis of its Reliability and Validity. *Modern Journal of Language Teaching Methods*, 7(3), 358- 365.
- Sobhani, A.R., & Shahidi, M. (2007). Pathology of Entrance Examination and the Possibility of Removing it in the Student Admission System. *Research in Curriculum Planning*, 4(13), 161- 182. [In Persian]
- Yadegarzadeh, Gh., Parand, K., & Kanani, E. (2012). Investigating the Opinions of Pre-university School Counselors Regarding the Needs and Problems of Candidates in the Selection Process of the National Entrance exam. *Iranian Higher Education Quarterly*, 4(4), 57- 78. [In Persian]
- Zarei, R., & Orangi, A.M. (2012). Examining the Appropriate Criteria for Selecting Students in Iranian Universities from the Experts' Point of View. *New Approaches in Educational Administration*, 3(12), 207- 221. [In Persian]